

قهر کرده بود، مجدداً و کلارفتند آوردنش در مجلس، محقق الدوله پسر امین دربار که یکی از وکلاست، دیروز خودش با طپانچه به دهندش می‌زند ولی می‌گویند، خوب می‌شود، عیبی ندارد. جای تعجب است. معلوم می‌شود گلوله نداشته است یا چه جور گلوله‌ای بوده است. باری تمام مردم از اعیان و اشراف متصل می‌روند از آن دیوانه سفیه، احوالپرسی و تملق می‌کنند. هنوز جهتش معلوم نیست.

دوشنبه ۲۹ شهر ذیحجه الحرام ۱۳۲۵

امروز بر حسب دعوت وزیر جنگ می‌بایست برویم در مسجد سپهسالار، بالباس رسمی، قسم به کلام الله مجید بخوریم که خلاف مشروطیت نکنیم. یعنی این مرتبه دوم است، باری دو ساعت و نیم به غروب مانده لباس رسمی پوشیده رفتیم در مسجد، وزیر جنگ با سردارها و سرتیپ (ها) و سرهنگ (ها) و یاور(ها) و هر چه قداره بند هست حاضر شده بودند از توپخانه و قزاقخانه و غیره. تماماً بودند. مجدالدوله، ساعد الملک، سردار فیروز، شجاع السلطنه، سردار مخصوص، سردار ناصر، سردار افخم، سردار معتضد، از امرای تومان نصرالملک (و) ضیاءالملک و غیره بودند. شجاع السلطنه پالتویش را نکنده بود. ظفرالسلطنه به تشر گفت، بکن: خواست خودش در بی‌آورد نگذارد. ظفرالسلطنه گفت تو یک نفر امیر تومان که بیشتر نیستی. شجاع السلطنه هم قداره خودش را باز کرده پرت کرد میان مردم و رفت. هر چند خود ظفرالسلطنه کار بدی کرد ولی او هم بد کرد. خود ظفرالسلطنه همه را با لباس رسمی دعوت کرده بود ولی خودش با لباس نیم رسمی حاضر شده بود. باری چندین بار با زبان بسیار خنک (و) لوس گفت زنده باد مشروطه، زنده باد مجلس شورا، زنده باد وکلای محترم. بعد شرحی امام جمعه خوئی نوشته بود، کلام الله مجید هم به دست او بود. از حجج اسلام کسی نبود. وثوق الدوله، حاجی حسین آقا، حاجی معین بوشهری با چند نفر دیگر بودند. تماماً قسم

خوردند. انشاءالله خلاف قسم نخواهند کرد.

باری صنیع حضرت، مقتدر نظام با بعضی اشخاص دیگر که در میدان توپخانه جمع شده بودند، در دیوانخانه عدلیه چوب زیادی زده، یعنی مجازات کرده‌اند، فرستادندشان به کلات این بود اخبار تازه: تا غروب منزل بودم، بعد رفتم منزل حاجی آصف الدوله. نظام السلطنه، ظفر السلطنه، وزیر همایون که حالا لقب قائم مقامی گرفته است آنجا بودند.



صنيع حضرت



عناوین مهمّ روزنامه خاطرات غلامعلی خان

عزیزالسلطان

« ملیجک ثانی »

۱۳۲۶ هجری قمری

سنه یکهزار و سیصد و بیست و شش

هجری قمری



امروز رستم طاقنمای ظفرالسلطنه وزیر جنگ، حسن خان پیشخدمت شاه مُسلم شده بود. الحق بسیار بد خواند. آوازخوان غیر از تعزیه خوان است. صدایش خوب است ولی تعزیه را خوب نمی خواند.

جمعه ۲ محرم الحرام ۱۳۲۶



سوار شده رستم خان امام جمعه روضه، خود امام جمعه نبود. خود امام رفته بودند مسجد سپهسالار که بعضی از اهل نظام (را) که قسم نخورده اند. قَسَم بدهد.

یکشنبه ۶ محرم الحرام ۱۳۲۶



دیشب اتفاق عجیبی افتاده است، اعلیحضرت همایونی به رسم همیشه تشریف فرمای توی تکیه شده اند... مردم دست به طپانچه کرده (بودند) برای فراش‌ها، که هنوز هم استبداد دارید، بگذارید برویم تماشا.

دوشنبه ۷ محرم الحرام ۱۳۲۶



رستم منزل امام جمعه خونی که یکی از وکلای آذربایجان است. آدم بدی نیست.

سه شنبه ۸ محرم الحرام ۱۳۲۶



امسال روضه خوانی بسیار کم است، جمعیت هم مثل سالهای سابق نیست، سه چهار جا بیشتر من شمع روشن نکردم.

چهارشنبه ۹ محرم الحرام ۱۳۲۶



سفیر کبیر عثمانی، شمس‌الدین بیک که سالها بود (در) طهران اقامت داشت، امروز مرخصی گرفته، رفت اسلامبول.

سه‌شنبه ۱۵ محرم‌الحرام ۱۳۲۶

□□□

رفتم منزل نظام‌السلطنه، دیدم کالسکه (و) درشگه زیادی ایستاده است فهمیدم که بایست پرش مرحوم شده باشد.

شنبه ۱۹ محرم‌الحرام ۱۳۲۶

□□□

نظام‌السلطنه وزیر داخله شده است. صنیع‌الدوله وزیر مالیه، معتمد‌الملک وزیر علوم.

شنبه ۱۹ محرم‌الحرام ۱۳۲۶

□□□

وزیر مختار آلمان که تازه آمده است. آمد (و) شرفیاب شد.

سه‌شنبه ۲۲ محرم‌الحرام ۱۳۲۶

□□□

(قتل فجیع در طهران) مردم می‌خواستند بریزند به سفارت (و) یکمرتبه مملکت را تسلیم دولت روس بکنند.

سه‌شنبه ۲۲ محرم‌الحرام ۱۳۲۶

□□□

اهل جماران آمدند تماماً که ما می‌خواهیم تکیه‌مان را سرش را آهن کنیم صد تومان خرج داد. (آقای نایب‌السلطنه) هم متقبل شدند.

پنجشنبه ۲۴ محرم‌الحرام ۱۳۲۶

□□□



سوء قصد به محمدعلی شاه - برای شاه دینامیت انداخته‌اند و تفنگ خالی کرده‌اند. بندگان اعلیحضرت همایونی را خداوند قادر محفوظ فرموده است.

جمعه ۲۵ محرم الحرام ۱۳۲۶



رفتم در خانه، وزراء امر و اعیان و شاهزادگان بودند. شاه فرمودند: بنشینید مشورت بکنید. این وضع نیست!

جمعه ۲۵ محرم الحرام ۱۳۲۶



چائی صرف می‌کردم که یک صدا بلند شد مثل توپ!

شنبه ۲۶ محرم الحرام ۱۳۲۶



آقای سید عبدالله مجتهد، صدرالعلماء آقا سید حسین قمی، پسر ملا محمد تقی کاشی، آمده شرفیاب شدند.

یکشنبه ۲۷ محرم الحرام ۱۳۲۶



دیشب و امشب شهر چراغ باران است.

یکشنبه ۲۷ محرم الحرام ۱۳۲۶



وزیر مختار آمریکا آمده شرفیاب شد.

سه‌شنبه ۲۹ محرم الحرام ۱۳۲۶



مؤتمن‌الملک پسر مرحوم مشیرالدوله وزیر گمرک و تجارت شد.

سه‌شنبه ۲۹ محرم‌الحرام ۱۳۲۶

□□□

در شیراز قوام‌الملک را کشته‌اند.

شنبه ۴ صفر‌المظفر ۱۳۲۶

□□□

(از طرف شاه) پریروز دستخط سختی نوشته‌اند که: اگر اقدامی از طرف

مجلس نشود و مسامحه بشود. من خودم اقدامات لازم را خواهم کرد.

دوشنبه ۶ صفر‌المظفر ۱۳۲۶

□□□

پریشب جوانی رفته بود نزدیک باغ امین‌الدوله سورچرانی، شکم آن

بیچاره را پاره کرده‌اند.

دوشنبه ۶ صفر‌المظفر ۱۳۲۶

□□□

شاهزاده امان‌الله میرزا در ظرف شش ماه این دفعه سوم است که سه

جور لباس تغییر داده‌اند... نان را بایست به نرخ روز خورد.

سه‌شنبه ۷ صفر‌المظفر ۱۳۲۶

□□□

گویا پسرهای توام، تفنگ انداخته‌اند (و) یکی از مجتهدهای بزرگ را کشته‌اند.

سه‌شنبه ۷ صفر‌المظفر ۱۳۲۶

□□□

دیشب سالارالدوله را در عشرت آباد گرفته (اند). بعضی ها می گویند که آن بمب پاگیر او شد.

چهارشنبه ۸ صفر المظفر ۱۳۲۶

□□□

شلوغی فارس از حد گذشته است. پسر قوام هم پایش گلوله خورده است.

پنجشنبه ۹ صفر المظفر ۱۳۲۶

□□□

سالارالدوله تقصیرش این نبوده است که شهرت پیدا کرده بود بمب کار اوست، گویا باز خیال فرار به سرش افتاده بوده است.

پنجشنبه ۹ صفر المظفر ۱۳۲۶

□□□

ورامین مدتی است مغشوش است، گویا حاکم نمی خواهند. می گویند مالیات خودمان را می دهیم ولی حاکم نمی خواهیم.

شنبه ۱۱ صفر المظفر ۱۳۲۶

□□□

سرکار تاج السلطنه که مدتی است از شجاع السلطنه طلاق گرفته است این چند روزه عیال قوللر آقاسی باشی که حالا امیر بهادر است شده است.

دوشنبه ۱۳ صفر المظفر ۱۳۲۶

□□□

در منزل نظام السلطنه مجلس منعقد است برای امر مهمی که بعد معلوم خواهد شد.

چهارشنبه ۱۴ صفر المظفر ۱۳۲۶

□□□

شاهزاده ظل السلطان حاکم فارس شده است، امروزه چارپای عازم شدند.

جمعه ۱۷ صفر المظفر ۱۳۲۶

□□□

وکلا مدتی است دو دسته شده اند، یک دسته حامی آقا سید عبدالله

هستند، یک دسته حامی احتشام السلطنه.

شنبه ۲۵ صفر المظفر ۱۳۲۶

□□□

فوج شجاع السلطنه که قراول دور ارک هستند به وزیر جنگ فحش

می دهند (و) می روند به طرف مجلس.

یکشنبه ۲۶ صفر المظفر ۱۳۲۶

□□□

احتشام السلطنه، چند روز دیگر می رود به لندن.

یکشنبه ۲۹ صفر المظفر ۱۳۲۶

□□□

وقتی که شیخ محمود ورامینی را می خواستند بیاورند برای

استنطاق، جمعی از فکلی های مشروطه طلب شورش خواه، انگشت به ...

شیخ محمود می کنند.

دوشنبه ۴ ربیع الاول ۱۳۲۶

□□□

امروز بندگان اعلیحضرت همایونی خیلی به من بی حرمتی فرمودند که

در این مدت همچو ندیده بودم! خداوند قادر متعال را شاهد می گیرم که نه به

پدرش، نه به جدش، نه به خودش از من و پدرم خیانتی سرزده باشد!

پنجشنبه ۷ ربیع الاول ۱۳۲۶

□□□

چند نفری را گرفته‌اند که شما مشغول ساختن بمب هستید. یکی از آنها  
حیدرخان از اجزای چراغ برق است.

جمعه ۸ ربیع‌الاول ۱۳۲۶



امروز در شهر و انجمن‌ها هیاهو، و هیجان مجددی است برای این که؟  
جرا امیرمعظم به خانه این اشخاص که بمب ساخته‌اند، شب ریخته است و  
آنها را گرفته است.

شنبه ۹ ربیع‌الاول ۱۳۲۶



امروز هر چه که کردند که بازار را ببندند، مردم نبسته‌اند. جواب داده‌اند  
که ما چرا بی جهت هر ساعت ببندیم، نخواهیم بست.

دوشنبه ۱۱ ربیع‌الاول ۱۳۲۶



مجلس باز هم شلوغ است. مجازات امیرمعظم را می‌خواهند. وزراء  
هم می‌آیند و می‌روند؛ مردم هم اعتنائی نمی‌کنند مثل سگ هستند، هیچ قُرب و  
منزلتی ندارند.

سه‌شنبه ۱۲ ربیع‌الاول ۱۳۲۶



آقا سید عبدالله نطقی فرمودند که قرار بر این شده است که فردا، امیر  
معظم در اطاق وزارت جنگ محاکمه بشود. مردم قبول نکردند (و) گفتند  
بایست در دیوانخانه عدلیه محاکمه بشود.

سه‌شنبه ۱۲ ربیع‌الاول ۱۳۲۶



الحق از همه چیز گذشته، آقای سید عبدالله آدم بزرگ زیاده از حد (و) آدم با عزمی است. اگر این شخص دو سال قبل بعضی اقدامات نمی کرد حالا ما چه روزگاری داشتیم؟

جمعه ۱۵ ربیع الاول ۱۳۲۶

□□□

دیروز فوج زرند رفته مسجد شاه، بست نشسته اند برای مواجیشان سید جمال هم رفته بود منبر (و) هر چه دلش خواسته بود به وزیر جنگ و علاءالدوله گفته بود.

جمعه ۱۵ ربیع الاول ۱۳۲۶

□□□

مخبر السلطنه چند روز است (که) فرمانفرمای آذربایجان شده است.

دوشنبه ۱۸ ربیع الاول ۱۳۲۶

□□□

رحیم خان چریبانلو دیروز فرار کرده...

سه شنبه ۱۹ ربیع الاول ۱۳۲۶

□□□

غلامحسین خان پیشخدمت، از جانب بندگان همایونی آمده (بود) که احضار فرموده اند، عذر آورده نرفتم!

یکشنبه ۲۴ ربیع الاول ۱۳۲۶

□□□

رفتم منزل نظام السلطنه، امروز کابینه وزراء استعفاء کرده بودند و قبول هم شده است.

شنبه غره ربیع الثانی ۱۳۲۶

□□□

سرحد ارومی خیلی مغشوش است، ارومیه را بکلی چاپیدند.

شنبه غره ربیع الثانی ۱۳۲۶



بنا بود از خارجه پول قرض کنند، خارجه هم می گویند ما پول نمی دهیم، مگر این که در این مملکت نظارت داشته باشیم.

شنبه غره ربیع الثانی ۱۳۲۶



غلامحسین خان دیروز با شعاع السلطنه رفته بود به شکار، یک تفنگ هم شعاع السلطنه به او مرحمت کرده بود، من باور نمی کنم، چون غلامحسین خان دروغ زیاده می فرمایند، از شعاع السلطنه هم همچو بزرگی ها من ندیده ام.

شنبه غره ربیع الثانی ۱۳۲۶



ایمن الملک مرحوم شده است. نعش را خودش وصیت کرده است ببرند نجف اشرف.

دوشنبه ۳ ربیع الثانی ۱۳۲۶



از طرف دولت اصرار غریبی دارند که مهمانی جشن مولود شاه را آقا (نایب السلطنه کامران میرزا) بگیرند، امروز به کلی، آقا از سر خودش رفع کرد.

سه شنبه ۴ ربیع الثانی ۱۳۲۶



رفتم سفارت روس، چون عید میلاد «امپراطریس» بود، گاردن پارتی

دعوت کرده بودند.

چهارشنبه ۵ ربیع الثانی ۱۳۲۶



امروز در عدلیه استنطاق آقا سید علی آقا یزدی است. چون یک اعلانی از چند شب قبل از قول جماعت بابیه به در و دیوار شهر می چسبانیدند، بعد معلوم می شود آدم آقا سید علی آقا یزدی بوده است.

پنجشنبه ۶ ربیع الثانی ۱۳۲۶



آصف السلطنه از طرف بندگان اعلیحضرت همایونی حامل دستخطی بودند که: «عزیزالسلطان من نهایت مرحمت را در حق شما داشته و دارم... باید شما همه روزه حاضر خدمت باشید و از خدمتگزاری و مراقبت در نوکری غفلت ننمائید.

شنبه ۸ ربیع الثانی ۱۳۲۶



مستوفی الممالک باز وزیر جنگ شده است.

شنبه ۸ ربیع الثانی ۱۳۲۶



مشیرالدوله چند روزی است اصرار دارد که استعفا بکند با موتمن الملک برادرش.

یکشنبه ۹ ربیع الثانی ۱۳۲۶



با آصف السلطنه رفته خدمت شاه، در اطاق برلیان نشسته بودند اظهار



مرحمت نسبت به این غلام خودشان فرمودند.

یکشنبه ۹ ربیع الثانی ۱۳۲۶

□□□

رفتم خدمت آقا سید عبدالله، شیخ مهدی عرب که دخترش عروس آقاست و لولهنگش خیلی آب می‌گیرد، آنجا بود.

سه‌شنبه ۱۱ ربیع الثانی ۱۳۲۶

□□□

امشب عید بندگان همایونی است، به واسطه اغتشاش ارومیه و کشتاری که در آنجا شده است خود دولت هیچ عید نمی‌گیرد.

پنجشنبه ۱۳ ربیع الثانی ۱۳۲۶

□□□

اشخاصی که برای شاه بمبب انداخته بودند، امروز مرخص شدند!

پنجشنبه ۱۳ ربیع الثانی ۱۳۲۶

□□□

دیشب تمام (را) با لباس نیم‌رسمی خبر کرده بودند، امروز با لباس رسمی خبر کرده‌اند، بعضی‌ها که هیچ لباس نپوشیده بودند، هرج و مرج عجیبی است!

جمعه ۱۴ ربیع الثانی ۱۳۲۶

□□□

رفتیم شرفیاب خاکپای مبارک شدیم در اطاق برلیان. اول می‌خواستند که در نارنجستان تشریف بیاورند، من گفتم اهل نظام این قدر خاک بر سر هستند؟!

جمعه ۱۴ ربیع الثانی ۱۳۲۶

□□□

رفتیم شرفیاب شده، از هر کس پرسیدند که چند فوج در طهران است؟  
هیچ کس نمی دانست.

جمعه ۱۴ ربیع الثانی ۱۳۲۶

□□□

وقتی که رفتیم توی اطاق حضور شاه، سردار ناصر نخواست زیر دست  
کسی بایستد، خودش تنها یک طرف ایستاد، بسیار حرکت خنکی بود!

جمعه ۱۴ ربیع الثانی ۱۳۲۶

□□□

نزدیک انجمن برادران دروازه قزوین دیدم موزیک می زنند، پیاده شدم  
رفتم، خیلی احترامات کردند (و) گفتند: زنده باد سردار مشروطه طلب!

جمعه ۱۴ ربیع الثانی ۱۳۲۶

□□□

امروز نظام السلطنه وزیر داخله جداً استعفا کرده است، قبول هم شده است.

جمعه ۱۴ ربیع الثانی ۱۳۲۶

□□□

لقب احتشام الملکی را به شاهزاده معین دربار دادند.

یکشنبه ۱۶ ربیع الثانی ۱۳۲۶

□□□

فوج هفتم شقاقی، چندی است رفته اند مسجد شاه (و) می گویند  
امیر نظام را نمی خواهیم، مواجب هم نمی خواهیم.

سه شنبه ۱۸ ربیع الثانی ۱۳۲۶

□□□

رفتم منزل امیراعظم، ریاست محاکمات عسگریه را به او داده‌اند.

چهارشنبه ۱۹ ربیع‌الثانی ۱۳۲۶



در سرحدود ایران با روس گفت‌وگوست، در پیله سوار چند آزاده با سوار آمده، مطالبه خون آن صاحب منصبی (را) که در استرآباد کشته‌اند می‌کنند. شاهسون‌ها هم از روس خیلی کشته‌اند، خداوند عاقبتش را به خیر کند.

شنبه ۲۲ ربیع‌الثانی ۱۳۲۶



بعضی‌ها می‌گویند صنیع‌الدوله رئیس‌الوزراء شده.

یکشنبه ۲۳ ربیع‌الثانی ۱۳۲۶



محتشم‌السلطنه را برای وزارت داخله می‌گویند از سر حد خواسته‌اند.

یکشنبه ۲۳ ربیع‌الثانی ۱۳۲۶



امروز در دیوان خانه عدلیه قاتل‌های فریدون را مجازات داده‌اند یکی

هزار الی دو هزار تازیانه زده‌اند، دو سه نفرشان هم نزدیک به موت هستند.

سه‌شنبه ۲۵ ربیع‌الثانی ۱۳۲۶



امروز امیراعظم که رئیس محاکمات عسگریه است، صاحب منصبان

فوج شقاقی را استنطاق می‌کند. گفتگو خیلی زیاد شد از هر طرف، من

که سکوت داشتم ولی همین قدر می‌نویسم امیر نظام اگر چه با من

خیلی بدی کرده است ولی حق را نباید از دست داد (که) بی تقصیر است.  
تمام مردم مغمض هستند. دست از هوای نفسشان برنمی دارند (و) مقاصد  
شخصی دارند.

پنجشنبه ۲۷ ربیع الثانی ۱۳۲۶

□□□

دیشب چند نفر دزد رفته اند به خانه وزیر بانک روس، یک گلوله به پای  
وزیر بانک می خورد!

پنجشنبه ۲۷ ربیع الثانی ۱۳۲۶

□□□

جاده اتومبیل «مرنار» را تا تجریش ساخته اند، زیر قلعه  
ماشین (های) زمین سفت کُنی مشغول سفت کردن بودند. اسب های درشگه رم کردند.

جمعه ۲۸ ربیع الثانی ۱۳۲۶

□□□

در مسجد شاه، ملک المتکلمین و آقا سید جمال و بهاء الواعظین رفته  
بودند منبر، خیلی از ظل السلطان تعریف کرده، از امیر جنگ و امیر نظام خیلی  
بد گفته بودند. و هیچ چیز برای آن دو نفر باقی نگذاشته بودند (و) مردم را  
ترغیب کرده بودند آنها را بکشند.

جمعه ۲۸ ربیع الثانی ۱۳۲۶

□□□

مشیرالسلطنه رئیس وزراء و وزیر مداخله شده است.

شنبه ۲۹ ربیع الثانی ۱۳۲۶

□□□